

درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی احکام الجبائر

موضوع جزئی: مقتضای روایات

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

تاریخ: ۲۱ بهمن ۱۳۹۸

مصادف با: ۱۵ جمادی الثانی ۱۴۴۱

جلسه: ۳۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

بحث در احکام جبیره بود. عرض شد که یکی از بحث‌هایی که در این رابطه مطرح است، مقتضای روایات است که در جلسات گذشته به این روایات اشاره شد و همچنین، به کیفیت جمع بین این روایات نیز اشاره شد و عرض شد که عده‌ای از اصحاب بر مسح بر جبیره حکم کرده‌اند، هر چند که آن جبیره در موضع غسل باشد، یعنی اگر جبیره در موضعی از مواضع وضو [، مثل صورت و دست‌ها] باشد که باید شسته شوند، می‌توان هنگام وضو گرفتن بر جبیره مسح کرد. آنها برای کلام خود به دو روایت صحیحہ عبدالاعلی و اطلاق روایت کلب اسدی استناد کرده‌اند؛

عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ؛ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): عَثَرْتُ فَأَنْقَطَعَ ظُفْرِي فَجَعَلْتُ عَلَى إِبْصَعِي مَرَّارَةً، فَكَيْفَ أَصْنَعُ بِالْوُضوءِ؟ قَالَ: «يُعْرَفُ هَذَا وَ أَشْبَاهُهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: "...مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ..." اَمْسَحْ عَلَيْهِ»<sup>۱</sup>.

در این روایت، راوی از امام صادق (ع) در رابطه با انگشتش که قطع شده و جبیره بر آن گذاشته، سؤال کرده است که چگونه وضو بگیرم؟ آن حضرت (ع) فرمود که طبق آنچه که از کتاب خدا فهمیده می‌شود، بر آن جبیره دست بکش.

تعبیر «امسح علیه» در عبارت «يعرف هذا و أشباهه... امسح عليه» اطلاق دارد و «أشباهه» نیز شامل موضع غسل می‌شود لذا این روایت بر این دلالت دارد که اگر در موضع غسل جبیره باشد، مسح و دست کشیدن بر جبیره [در هنگام وضو گرفتن،] کفایت می‌کند.

عَنْ كَلِيبِ الْأَسَدِيِّ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ إِذَا كَانَ كَسِيرًا كَيْفَ يَصْنَعُ بِالصَّلَاةِ؟ قَالَ: «إِنْ كَانَ يَتَخَوَّفُ عَلَى نَفْسِهِ فَلْيَمْسَحْ عَلَى جَبَائِرِهِ وَ لْيُصَلِّ»<sup>۲</sup>.

کلب اسدی گفته است که از امام صادق (ع) درباره مردی که [دستش یا پایش] شکسته است، سؤال کردم که چگونه نماز بخواند؟ آن حضرت (ع) فرمود که اگر می‌ترسد [و خوف ضرر دارد]، پس بر جبائر دست بکشد و نماز بخواند.

این روایت نیز اطلاق دارد و شامل مسح بر جبیره‌ای که در موضع غسل هست نیز می‌شود.

همچنین، ظاهر روایت صحیحہ حلبی (روایت اولی که در جلسه گذشته ذکر شد) نیز بر کفایت مسح بر جبیره‌ای که در موضع غسل وجود دارد، دلالت دارد؛

۱. «الحج»: ۷۸.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۹، ص ۴۶۴، ح ۵.

۳. همان، ص ۴۶۵، ح ۸.

عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ بِهِ الْقَرْحَةُ فِي ذِرَاعِهِ أَوْ نَحْوِ ذَلِكَ مِنْ مَوْضِعِ الْوُضُوءِ فَيَعْبِثُهَا بِالْخِرْقَةِ وَ يَتَوَضَّأُ وَ يَمْسَحُ عَلَيْهَا إِذَا تَوَضَّأَ؛ فَقَالَ: «إِنْ كَانَ يُؤْذِيهِ الْمَاءُ فَلْيَمْسَحْ عَلَى الْخِرْقَةِ وَ إِنْ كَانَ لَا يُؤْذِيهِ الْمَاءُ فَلْيَنْزِعِ الْخِرْقَةَ ثُمَّ لْيَغْسِلْهَا» قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْجُرْحِ كَيْفَ أَصْنَعُ بِهِ فِي غَسْلِهِ؟ قَالَ: «اغْسِلْ مَا حَوْلَهُ»<sup>۱</sup>.

حلبی گفته است که از امام صادق (ع) درباره شخصی که قرحه‌ای یا مثل آن [جراحی] در موضع وضو از دستش وجود دارد، پس آن را با پارچه‌ای می‌بندد و وضو می‌گیرد و روی همان پارچه دست می‌کشد، سؤال شد. آن حضرت (ع) فرمود که اگر آب برای او ضرر دارد، پس بر پارچه دست بکشد، ولی اگر آب به او ضرر نمی‌رساند، پس پارچه را برمی‌دارد و سپس آن موضع را می‌شوید. روای گفت که از امام (ع) در رابطه با جراحت سؤال کردم که چگونه آن را بشویم؟ آن حضرت (ع) فرمود که اطراف آن را بشوی. تعبیر «إِنْ كَانَ يُؤْذِيهِ الْمَاءُ فَلْيَمْسَحْ عَلَى الْخِرْقَةِ» حاکی از این است که جبیره در موضع غسل است و مسح بر آن کفایت می‌کند. بعضی در مقام خدشه بر کلام مذکور، مبنی بر کفایت مسح بر جبیره‌ای که در موضع غسل است، گفته‌اند که امر به مسح در روایات مذکور، از باب توهّم حذر است، یعنی چون احتمال داشته که دلیلی بر منع و حذر دلالت بکند، از باب توهّم حذر، به مسح امر شده است، به این معنی که مانعی از مسح نیست و لذا فقط رخصت از این روایات استفاده می‌شود، لکن در پاسخ این عده عرض می‌شود که کفایت مسح بر صرف رخصت دلالت ندارد، بلکه در مقام تعیین وظیفه است و بر این دلالت دارد که وظیفه شخص این است که اگر جبیره‌ای در موضع غسل باشد باید بر آن مسح کند و اطلاق روایات و تصریح بعضی از روایات بر همین مطلب دلالت دارد که فرقی بین مسح بر جبیره‌ای که در موضع مسح باشد یا در موضع غسل باشد، نیست و مسح بر جبیره، در هر دو مورد، مکفی است. البته احتیاط [مستحب] اقتضا می‌کند که مسح به گونه‌ای انجام شود که با آن مسح، مسمای غسل نیز محقق شود، یعنی یک مسح معمولی، مثل مسح بر پا نباشد، بلکه چون مسح بر جبیره‌ای است که در موضع غسل است، آن مسح باید از رطوبت بیشتری برخوردار باشد و شاید مراد از مسحی که اصحاب به آن حکم کرده‌اند همان غسل باشد، یعنی مسحی مورد نظرشان است که در حکم غسل با درجه خفیف‌تر است. پس صرف کشیدن دست مرطوب بر جبیره‌ای که در موضع غسل است، کافی نیست، بلکه دست باید از رطوبت بیشتری برخوردار باشد.

مرحوم محقق (ره) نیز در همین رابطه فرموده است: «يجب استيعاب الجبيرة بالمسح و لا يقتصر على البعض لان المسح بدل عن الغسل فكما ان الغسل يجب به الاستيعاب فكذا البذل»<sup>۲</sup>.

اما در رابطه با روایت پنجم (موثقه عمار) [عَنْ عَمَّارٍ؛ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ يَنْقَطِعُ ظَفْرُهُ؛ هَلْ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَجْعَلَ عَلَيْهِ عِلْكَاءًا؟ قَالَ: «لَا وَ لَا يَجْعَلُ عَلَيْهِ إِلَّا مَا يَقْدِرُ عَلَى اخْذِهِ عَنْهُ عِنْدَ الْوُضُوءِ وَ لَا يَجْعَلُ عَلَيْهِ مَا لَا يَصِلُ إِلَيْهِ الْمَاءُ»<sup>۳</sup>].، عرض می‌شود که این روایت، مساعد قاعده دفع ضرر، رفع حرج، سماحة و سهولت شریعت است و این روایت با روایاتی که بر جواز استعمال جبیره و مسح بر جبیره [در صورت تعذر رساندن آب به زیر آن] دلالت داشت نیز موافق و قابل جمع است.

تنها نکته‌ای که مطرح است این است که گفته‌اند که این موثقه به حالت اختیار مربوط است و به حالت اضطرار مربوط نیست، چون در حال اضطرار، مسح بر جبیره جایز است و هیچ اشکالی متوجه آن نیست و شاهد بر این مدعا، موثقه عمار (روایت ششم) است

۱. همان، ص ۴۶۳، ح ۲.

۲. محقق حلبی، المعتبر فی شرح المختصر، ج ۱، ص ۴۰۹.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۹، ص ۴۶۵، ح ۶.

[عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي الرَّجُلِ يَنْكَسِرُ سَاعِدُهُ أَوْ مَوْضِعٌ مِنْ مَوَاضِعِ الْوُضُوءِ فَلَا يَقْدِرُ أَنْ يَحُلَّهٖ لِحَالِ الْجَبْرِ إِذَا جَبَرَ؛ كَيْفَ يَصْنَعُ؟ قَالَ: «إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَوَضَّأَ فَلْيَضَعْ إِنْاءً فِيهِ مَاءٌ وَ يَضَعْ مَوْضِعَ الْجَبْرِ فِي الْمَاءِ حَتَّى يَصِلَ الْمَاءُ إِلَى جِلْدِهِ وَ قَدْ أَجْزَأُهُ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَحُلَّهٖ»<sup>١</sup>]. این روایت موثق، مستند اصحاب است که اگر شخص از کندن جبیره یا رساندن آب به زیر جبیره متعذر شد، مسح بر جبیره جایز است و فلسفه جواز مسح، تعذر غسل است.

بنابراین، مسح بر جبیره‌ای که در موضع غسل است، جایز است، لکن این مسح درجه خفیفه‌ای از غسل است و مسح معمولی نیست، یعنی دستی که با آن بر جبیره مسح می‌شود باید از رطوبت بیشتری برخوردار باشد و تعبیراتی، مثل رساندن آب به جلد یا گذاشتن دست در ظرف آب، به گونه‌ای که آب به جلد برسد مقید به قید عدم ضرر است، ولی اگر ضرری متوجه شخص شود، خیس کردن دست و رساندن آب به زیر جبیره لازم نیست و کشیدن دست مرطوب روی جبیره کافی است.

روایاتی نیز در باب تیمم وارد شده‌اند که در فرض قرح و جرح به تیمم امر کرده‌اند که این روایات در ذیل بیان و کیفیت جمع بین این روایات با روایات مربوط به جبیره ذکر می‌شود؛

**روایت اول:** صحیحہ داود بن سرحان: عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي الرَّجُلِ تُصِيبُهُ الْجَنَابَةُ وَ بِهِ جُرُوحٌ أَوْ قُرُوحٌ أَوْ يَخَافُ عَلَى نَفْسِهِ مِنَ الْبَرْدِ؛ فَقَالَ: «لَا يَغْتَسِلُ وَ يَتِيمَمُ»<sup>٢</sup>.

در این روایت اصلاً بحث جبیره نیامده است، بلکه امام (ع) فرموده است که اگر جراحات یا قرحی در بدن شخص باشد یا ترس از سرما باشد، شخص تیمم می‌کند.

**روایت دوم:** صحیحہ محمد بن مسلم: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ الرَّجُلِ تَكُونُ بِهِ الْقَرْحُ وَ الْجِرَاحَةُ يُجَنَّبُ؛ قَالَ: «لَا بَأْسَ بِأَنْ لَا يَغْتَسِلَ يَتِيمَمُ»<sup>٣</sup>.

**روایت سوم:** صحیحہ ابن ابی عمیر: عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «يَتِيمَمُ الْمَجْدُورُ وَ الْكَسِيرُ بِالتُّرَابِ إِذَا أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ»<sup>٤</sup>.

**روایت چهارم:** موثقہ محمد بن مسلم: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (ع) فِي الرَّجُلِ تَكُونُ بِهِ الْقُرُوحُ فِي جَسَدِهِ فَتُصِيبُهُ الْجَنَابَةُ؛ قَالَ: «يَتِيمَمُ»<sup>٥</sup>.

**روایت پنجم:** حسنه محمد بن مسکین: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَكِينٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: قِيلَ لَهُ إِنَّ فُلَانًا أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ وَ هُوَ مَجْدُورٌ فَغَسَلُوهُ فَمَاتَ؛ فَقَالَ: «قَتَلُوهُ أَلَّا سَأَلُوا أَلَّا يَمَمُوهُ إِنَّ شِفَاءَ الْعِيِّ السُّؤَالُ»<sup>٦</sup>.

در روایت مذکور به امام صادق (ع) عرض شده است که شخصی جنب بوده است و مجدور بوده است و او را غسل داده‌اند و بر اثر این غسل دادن از دنیا رفته است، آن حضرت (ع) فرموده است که او را کشتند! چرا مسأله را سؤال نکردند و چرا او را تیمم ندادند، همانا شفای انسان ناتوان این است که در رابطه با تکلیف او سؤال شود.

١. همان، ح ٧.

٢. همان، ج ٣، کتاب الطهارة، ابواب التیمم، باب ٥، ص ٣٤٨، ح ٨.

٣. همان، ص ٣٤٧، ح ٥.

٤. همان، ح ٤.

٥. همان، ص ٣٤٨، ح ٩.

٦. همان، ص ٣٤٦، ح ١.

**بحث جلسه آینده:** جمع بین روایات دال بر حکم جبیره و روایات دال بر تیمم، ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمین»